

# دین و ساختار اجتماعی

(مقالاتی در جامعه‌شناسی دین)

کنت تامسون و دیگران

مترجمان

علی بهرامپور / حسن محدثی

## فهرست

- پیشگفتار ..... ۹
- دین چیست؟ ..... ۱۵  
«برایان ترنر»
- دورکیم و امر مقدس ..... ۱۶
- دین و نظم معنادار ..... ۱۸
- تقلیل‌گرایی شناختی ..... ۲۰
- دین ..... ۲۱
- دین و دنیوی شدن ..... ۲۵  
«کنت تامسون»
۱. دین به منزله یک نظام فرهنگی ..... ۲۵
۲. تعریف دین ..... ۲۸
۳. دین و ساخت اجتماعی واقعیت ..... ۳۵
۴. دنیوی شدن ..... ۳۸
۵. نقد ..... ۴۳
- نتیجه ..... ۴۵
- پی‌نوشت‌ها ..... ۴۸
- منابع ..... ۴۹

سه دین دنیوی جهان معاصر ..... ۵۱  
«ج. میلتون بینگر»

جنبه‌های دینی پوزیتیویسم ..... ۵۱

جنبه‌های دینی مارکسیسم ..... ۵۳

روانکاوی همچون ایمانی مدرن ..... ۵۷

دین و اقتصاد ..... ۵۹  
«کنت تامسون»

۱. مقدمه ..... ۵۹

۲. نظریه و روش وبر ..... ۶۰

۳. نظریه اخلاق پروتستانی ..... ۶۲

۴. انتقادات و ارزیابی‌های مجدد ..... ۷۰

نتیجه ..... ۷۸

پی‌نوشت‌ها ..... ۸۲

منابع ..... ۸۵

دین، قشربندی و محرومیت ..... ۸۷  
«کنت تامسون» و «کنت جونز»

۱. مقدمه ..... ۸۷

۲. نظر مارکس و انگلس درباره دین ..... ۹۲

۳. نظر ماکس وبر درباره دین و قشربندی ..... ۹۶

۴. کلیسا و فرقه ..... ۱۰۳

۵. دین و محرومیت ..... ۱۰۶

نتیجه ..... ۱۱۳

پی‌نوشت‌ها ..... ۱۱۶

منابع ..... ۱۱۷

۱۱۹ ..... پالایش‌های سنخ‌شناسی کلیسا/فرقه

«کنت تامسون» و «کنت جونز»

۱۱۹ ..... الف) سنخ‌شناسی بینگر

۱۲۰ ..... ب) سنخ‌شناسی ویلسون

۱۲۳ ..... ج) سنخ‌شناسی فرناندز

۱۲۴ ..... پی‌نوشت‌ها

۱۲۵ ..... رویکردهای نومارکسیستی در زمینه استقلال نسبی دین

«اوتو مادورو»

۱۲۵ ..... چکیده

۱۲۵ ..... مقدمه

۱۲۷ ..... مارکس در نگاه گودلیه: دین مانند یک زیرساختار ممکن

۱۳۱ ..... گرامشی در نگاه پورتلی: جنبش‌های دینی به مثابه...

۱۳۸ ..... وبر در نگاه بوردیو: حوزه دینی مانند شکلی از تقسیم کار

۱۴۴ ..... یک ترکیب انتقادی

۱۴۶ ..... پی‌نوشت

۱۴۷ ..... منابع

۱۴۹ ..... واژه‌نامه

۱۵۷ ..... نمایه

## دین چیست؟

(نقدی بر تعاریف جامعه‌شناسانه دین)

«برایان ترنر»

در جامعه‌شناسی دین، مسأله تعریف دین نقش مهمی در رشد کلی این رشته ایفا کرده است (Parsons, 1944). در پژوهش حاضر، من توجه خود را به جنبه تحلیلی این امر معطوف خواهم کرد، زیرا معمولاً بررسی این قبیل مسائل نظری به همان نحو که مباحث تجربی مورد بررسی قرار می‌گیرند، ارزشمندتر است. گرچه فیلسوفان، جامعه‌شناسان و متألّهین از دیرباز درباره مسأله ماهیت دین بحث کرده‌اند؛ ولی گره مفهومی این معما هنوز ناگشوده مانده است.

به طور کلی می‌توان گفت بحث‌های مربوط به تعریف دین، بر شماری از ابعاد اساسی متمرکز است. برای مثال، تفاوتی اساسی بین دیدگاه‌های تقلیل‌گرا<sup>۱</sup> و غیر تقلیل‌گرا وجود دارد. اولی تمایل دارد دین را پدیده‌ای ثانوی<sup>۲</sup>، یعنی انعکاس یا نمودی از سیماهای پایا و اساسی رفتار انسانی و جامعه در نظر بگیرد. نویسندگانی چون پاره‌تو، لنین، فروید و انگلس، دین را محصول یا انعکاس ذهنی منافع اقتصادی، نیازهای زیستی یا تجربه‌های طبقاتی از محرومیت دانسته‌اند. لازمه تقلیل‌گرایی این است که باورهای دینی، با توجه به معیارهای

1. reductionist

2. epiphenomenon

علمی یا معیارهای اثباتی، باورهای کاذبند و حفظ چنین باورهایی، با توجه به معیارهای تفکر منطقی، کاری عقلانی نیست. لازمهٔ دیگر «تقلیل‌گرایی اثباتی» این است که دین قبل از هر چیز، نوعی فعالیت شناختی و ذهنی فرد است که، به علل گوناگون، ماهیت حقیقی زندگی واقعی و اجتماعی را درست درک نمی‌کند (Goode, 1951).

تعریف کلاسیک قرن نوزدهمی دین «تعریف اقلی» مشهور ادوارد. بی. تایلور، یعنی «اعتقاد به موجودات روحانی» است (1891, p.424). در نظر تایلور، دین نتیجهٔ تلاشهای فیلسوفان بدوی عهد باستان» (p.428) است در جهت معنا بخشیدن به تجربه‌های ذهنی خود. تعریفی این‌چنینی از دین، تعریفی فردگرایانه، شناختی و عقل‌گرایانه است زیرا مشخصاً به نمادگرایی یا عمل دینی در ارتباط با سازمان اجتماعی توجه نشان نمی‌دهد، و معیارهای علم غربی را حقیقی بدیهی می‌داند و آن را به منزلهٔ تنها مبنای عقلانیت می‌پذیرد.

### دورکیم و «امر مقدس»

بنابراین، تاریخ جامعه‌شناسی دین را می‌توان، جدا از تقلیل‌گرایی اثباتی مربوط به فهم اهمیت مناسک دینی در سازمان اجتماعی و جدا از آگاهی از اینکه علم اثباتی مقیاس مناسبی برای سنجش عقلانیت دین نیست، به مثابه جنبشی نظری مورد توجه قرار دارد. در انسان‌شناسی، این تغییر دیدگاه یعنی [پی بردن به اینکه علم اثباتی مقیاس مناسبی برای سنجش عقلانیت دین نیست] را با این بحث مرتبط دانسته‌اند که در «جامعهٔ ابتدایی» مردم تمایز بارزی بین جادو و تکنولوژی قائل می‌شوند؛ جادو کارکرد مهمی را در ساخت‌یابی موقعیت‌های غیر قابل پیش‌بینی و خطر، ایفا می‌کند (Malinowski, 1948).

در جامعه‌شناسی، فاصله‌گیری قاطع از اثبات‌گرایی اولیه، غالباً در تمایزی که دورکیم بین مقدس و دنیوی<sup>۱</sup> [= نامقدس] قائل شده، دیده می‌شود؛ تمایزی

## دین چیست؟ □ ۱۷

که اغلب رویکردهای معاصر را در زمینه مسائل مربوط به تعریف دین تحت الشعاع قرار داده است. در کتاب *اشکال ابتدایی حیات دینی*<sup>۱</sup> که در سال ۱۹۱۲ منتشر شده، دین این چنین تعریف شده است:

«[دین] نظام یکپارچه‌ای از اعتقادات و اعمال مرتبط با امور مقدس [است]؛ یعنی اموری که حرمت یافته و ممنوعه‌اند - اعتقادات و اعمالی که همه کسانی را که به آنها عمل می‌کنند، در ضمن یک اجتماعی اخلاقی موسوم به کلیسا با هم متحد می‌کند» (Durkheim, 1961, p. 62).

مزیت چنین تعریفی این است که محوریت عمل دینی را نسبت به اعتقاد دینی می‌پذیرد؛ با اجتناب از رویکردی موحدانه امکان تحقیق مقایسه‌ای را فراهم می‌کند و مسأله کاذب بودن اعتقادات فردی را در حاشیه قرار می‌دهد. در حقیقت به نظر دورکیم دین کاذب وجود ندارد:

«همه [ادیان] به نحو خاص خودشان حقیقی‌اند، هر یک به شیوه‌های گوناگون به شرایط معین حیات انسانی پاسخ می‌دهند» (Durkheim, 1961, p. 15).

با وجود این، نوعی اثبات‌گرایی در تعریف دورکیم نهفته است. از نظر دورکیم دین چون برخی کارکردهای اجتماعی مهم را با حفظ باورهای مشترک از طریق اعمال مناسبی انجام می‌دهد، پا برجا مانده است. حقیقت دین، حقیقتی جامعه‌شناختی است و مرجع نمادهای دینی خدای توتمی نیست، بلکه خود جامعه است. از نظر دورکیم در واقع، اعتقادات مؤمنان اشتباه است زیرا متعلق حقیقی پرستش، گروه اجتماعی است. بنابراین، دورکیم تعهدی عقل‌گرایانه را در باب برتری معیارهای علمی حقیقت حفظ می‌کند، زیرا از نظر دورکیم اعتقادات دینی:

«بازنمودهای تحریف شده واقعیتهای تجربی‌اند؛ واقعیتی که امکان تحلیل دقیق آن از طریق علمی تجربی میسر است. و این علم اینک جامعه‌شناسی است» (Parsons, 1973, p. 420).